

بِسْمِ اللَّهِ
قَامِصِ الْجَبَّارِينَ

منظومه سلیمانی

مروری بر ابعاد شخصیتی و
ویژگی های مکتب شهید سرافراز
حاج قاسم سلیمانی

ستاد مردمی بزرگداشت دومین سالگرد
شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی
آذر ۱۴۰۰



مکتب حاج قاسم

بنیاد حفظ و نشر آثار

شهید سپهبد قاسم سلیمانی

نوبت چاپ: آذر ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰۰

تلفن: ۰۲۱۸۶۰۳۵۹۰۸

کد پستی: ۱۵۹۹۹۵۵۴۱۳

ایمیل: info@soleimani.ir

www.soleimani.ir

مکتب حاج قاسم

بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی
SOLEIMANY.IR

ستاد مردمی بزرگداشت دومین سالگرد
شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی



مقدمه

شهادت شهید سرافراز جبهه مقاومت حاج قاسم سلیمانی که به حق از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی قهرمان ملی نام گرفت، حماسه‌ای بود که خون ملت‌های مسلمان و آزادیخواه را به جوش آورد و زمینه‌ساز یوم‌الله کم نظیر مراسم تشییع پیکر آن شهید و یاران عاشورایی‌اش شد.

شهید حاج قاسم سلیمانی از جمله رویش‌های انقلاب اسلامی است که در نهضت امام خمینی (ره) رویید و با باغبانی خلف صالح او امام خامنه‌ای مدظله به شجره طیبه‌ای تبدیل شد که نماد مجسم «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بود.

کسی که هرگز ترس از دشمنان را بردل نگرفت و «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» هراس از خویش و انقلابیون را دردل دشمنان افکند و درعین حال یاری مهربان، پدری فداکار و رفیق شفیقی برای مردم ایران و امت اسلامی و همه انسان‌هایی که زخم‌گران از ستم استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل برتن و جانشان نشسته‌است، بود. او نه تنها قهرمان ملی بلکه قهرمان امت اسلامی و قهرمان همه آزادیخواهان جهان است.



بی شک باید او را «مرد میدان» در همه عرصه‌های مورد نیاز انقلاب اسلامی نامید که سیمای انسان تراز تمدن نوین اسلامی را به خوبی به نمایش گذاشته است و به همین دلیل است که مشتاقان انقلاب اسلامی و شرافتمندان عالم در داخل و خارج از کشور با افتخار شعار «انا القاسم» سر می‌دهند و لرزه بر اندام آمریکای جنایتکار، جبهه استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل می‌اندازند و افق‌های دسترسی به نتایج «انتقام سخت» را بیش از پیش روشن می‌سازند.

حاج قاسم در دوران حیاتش نماد مجاهدت و انقلابی‌گری بر اساس ایمان و عمل صالح بود و خداوند نیز اراده کرده بود قلب‌های مردم را نسبت به او سرشار از عشق و محبت سازد و اکنون در آستانه دومین سالروز شهادت مظلومانه او نه تنها شعله‌های آن عشق پاک، کم فروغ نشده بلکه شاهد هستیم کودکان و نوجوانان، پیران و جوانان، زنان و مردان و اقشار گوناگون جامعه از هر قوم و مذهبی به دلدادگی به او افتخار می‌کنند و تأسی به آن اسوه مثال زدنی را مایه شرافت و رستگاری خود می‌دانند. بدینسان آن محبت و عشق ورزی‌های دوران حیات او به تلاش برای شاگردی در «مکتب» شهید سلیمانی عزیز تبدیل شده است.



بدین لحاظ بزرگداشت این شخصیت ملی و فراملی و برافراشته نگاه داشتن پرچمی که او برای عزت اسلام و ملت های اسلامی و دفاع از ارزش های اسلامی برافراشت، رسالتی گرانبار بردوش کسانی است که میراث دار آن بزرگمرد تکرار ناشدنی هستند تا با معرفی هر چه بیشتر راه و رسم آن شهید ابعاد پیدا و پنهان سبک زندگی شهیدانه او که این فوز عظیم را برایش رقم زد را بشناسند و بشناسانند.

آنچه در پی می آید محورهایی برای معرفی هر چه بهتر ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی و ویژگی هایی است که از او یک الگوی تمام عیار در مکتب تربیتی اسلام و انقلاب اسلامی ساخته است.



حاج قاسم در چشم و دل رهبر

من یاد او را هرگز فراموش نمیکنم



پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عزیز ایران!

سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد. دیشب ارواح طیبه‌ی شهیدان، روح مطهر قاسم سلیمانی را در آغوش گرفتند. سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدانهای مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سالها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و به روح مطهر خود او تبریک و به ملت ایران تسلیت عرض میکنم. او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود، با رفتن او به حول و قوه‌ی الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد، ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای



حادثه‌ی دیشب آلودند. شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند. همه‌ی دوستان - و نیز همه‌ی دشمنان - بدانند خطّ جهاد مقاومت با انگیزه‌ی مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه‌ی مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد.

ملت ایران یاد و نام شهید عالی‌مقام سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او بویژه مجاهد بزرگ اسلام جناب آقای ابومهدی المهندس را بزرگ خواهد داشت و اینجانب سه روز عزای عمومی در کشور اعلام می‌کنم و به همسر گرامی و فرزندان عزیز و دیگر بستگان ایشان تبریک و تسلیت می‌گویم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳ دی ماه ۱۳۹۸



۴۰ جمله از رهبر انقلاب درباره «شهید شهید حاج قاسم سلیمانی»

۱. ایرانی‌ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آنها از یک روستای دورافتاده برمیخیزد، تلاش و خودسازی میکند، به چهره‌ی درخشان و قهرمان امت اسلامی تبدیل میشود. ۱۳۹۹/۹/۲۶
۲. او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳
۳. پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها در دوران دفاع مقدس گذاشته شد. ۱۳۹۹/۶/۳۱
۴. شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی و معنوی و انقلابی و ارزشهای خودش را در او متبلور و مجسم دید. ۱۳۹۹/۹/۲۶
۵. دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود؛ شجاعت و مقاومت جزو خصلت‌های ایرانی است. ۱۳۹۹/۹/۲۶
۶. این مسئله‌ی روزیک جریانِ بظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدتها قبل پیش‌بینی کرد. بعد از مدتی داعش به وجود آمد. آدم بادرایت و باهوشی بود. ۱۳۹۹/۹/۲۶



۷. روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملّت و آن ملّت و مانند اینها مطرح نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت. ۱۳۹۹/۹/۲۶
۸. شهید سلیمانی اهل معنویت و اخلاص و آخرت‌جویی بود و اهل تظاهر نبود. ۱۳۹۹/۹/۲۶
۹. آن مردی که میرود جلوی دشمن و وا همه نمیکنند و در همه‌ی میدانها نه خستگی میفهمد، نه سرما میفهمد، نه گرما میفهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمیتوانست جلوی دشمن برود. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳
۱۰. حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اوّل نبود، ولی در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد فی سبیل الله از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن پروا داشت، نه از تحمّل زحمت پروا داشت. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳
۱۱. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر میرفت و ابا نداشت؛ هم با تدبیر بود؛ منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸
۱۲. شهید سلیمانی یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه‌ی نظامی بود، در عین حال بشدّت مراقب حدود شرعی بود. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸
۱۳. مراقب بود که به کسی تعدّی و ظلم نشود. به دهان خطر میرفت اما جان دیگران را تا نمیتوانست حفظ میکرد. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸
۱۴. در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود،



لکن بشدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابیگری خط قرمزِ قطعی او بود؛ ذوب در انقلاب بود. پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۱۵. به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه‌ی نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا را خنثی کند. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۱۶. شخصیت‌های ایمانی وقتی که ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش میشود شخصیتی مثل شهید سلیمانی که حتی دشمنانش او را تحسین میکنند! ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

۱۷. آمریکایی‌ها کسی را که سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه‌ی با تروریسم بود ترور کردند! ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۱۸. درمیدان روبه‌روی جنگ با او مواجه نشدند، دولت آمریکا دزدانه و بزدلانه او را ترور کرد؛ این کار مایه‌ی روسیاهی آمریکا شد! ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۱۹. ما شهید زیاد داریم اما شهیدی که به دست خبیث‌ترین انسان‌های عالم یعنی خود آمریکایی‌ها به شهادت برسد چنین شهیدی غیر از حاج قاسم من کس دیگری را یادم نمی‌آید. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۲۰. جهادش جهاد بزرگی بود، خدای متعال شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۲۱. او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۲۲. شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود اسم



۲۳. رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. ۱۳۹۹/۹/۲۶

۲۴. شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد. ۱۳۹۹/۹/۲۶

۲۵. امپراتوری خبری صهیونیسم در همه‌ی دنیا سعی کردند سردار بزرگوار عزیز ما را متهم کنند به تروریست؛ خدای متعال صفحه را درست بعکس آنچه که آنها میخواستند ترتیب داد. ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۲۶. با رفتن او به حول و قوه‌ی الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۲۷. این شهادت بزرگ یکی از آیات قدرت الهی است. ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۲۸. حادثه‌ی یوم‌الله تشییع جنازه‌ی شهید و حادثه‌ی یوم‌الله در هم کوبیدن پایگاه آمریکایی از ذهن این مردم نخواهد رفت و روزبه‌روز ان شاءالله زنده‌تر خواهد شد. ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۲۹. روزی که ده‌ها میلیون در ایران، و صدها هزار در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابانها آمدند و بزرگ‌ترین بدرقه‌ی جهان را شکل دادند، یکی از ایام‌الله است. ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۳۰. مردم قدر سردار شهید قاسم سلیمانی را دانستند و این ناشی از اخلاص است. یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت. ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

۳۱. قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۳۲. شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه‌ی



دنيا كشيده. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۳۲. شهيد سلیمانی به هر دو حُسنين رسيد؛ هم پيروز شد هم به شهادت رسيد؛ يعنی خدای متعال كَلَّمَا الْحُسَيْنَيْنِ را به اين شهيد عزيز داد. ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

۳۳. قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی بايد انتقامشان را پس بدهند. ۱۳۹۹/۹/۲۶

۳۴. شهيد سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استكبار را شكست داد، هم با شهادتش شكست داد. ۱۳۹۹/۹/۲۶

۳۵. بنده قلباً و زبانا او را تحسین ميكردم اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظيم ميكنم. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۳۶. حاج قاسم از آنهایی است که شفاعت ميکند. اردیبهشت ۱۳۸۴

۳۷. فقدان سردار فداکار و عزيز ما تلخ است ولی ادامه ی مبارزه و دست يافتن به پيروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ تر خواهد کرد. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۳۸. خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسيد، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می ریخت و داغدار رفقای شهيدش بود. ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۳۹. سردار شهيد عزيز را با چشم يك مکتب، يك راه، يك مدرسه ی درس آموز نگاه كنيم. ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۴۰. من ياد شهيد سلیمانی عزيزمان را هرگز فراموش نميكنم. ۱۳۹۹/۹/۲۶

مروری بر ابعاد شخصیتی و
ویژگی‌های مکتب شهید سرافراز
حاج قاسم سلیمانی



۱- خدا محوری

یکی از ویژگی های شهید سلیمانی «خدا محوری» بود. خدا محوری شخصیت فرد را «ربّانی» می کند و تنها این شخصیت های ربّانی هستند که لیاقت به دوش کشیدن بار هدایت انسان ها و همراهی و هم روی با اولیای الهی را پیدا می کنند.

قرآن کریم در وصف این رادمردان خدا جو می فرماید:

«وَكَايِنَ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

(۱۴۶ آل عمران)»

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.

اگر شهید سلیمانی را قهرمان جبهه مقاومت می دانیم راز و رمز آن را باید در «ربّی» بودنش بیابیم. «ربّی» کسی است که وجودش را در آتش عشق الهی ذوب می کند و از همه ناخالصی ها پاک می شود. ناخالصی هایی که در انسان ها عامل نفوذ شیطان هستند از وجود آنها زدوده می شود و به همین دلیل می توانند در راه خدا استقامت بورزند و سست و ناتوان نشوند.



شهید سلیمانی به واقع در زمانه ما سیمای چنین انسان‌هایی را به نمایش گذاشت. او انسانی خدایی بود که همواره با خدا بود و خدا نیز یک لحظه دست از یاری‌اش برنداشت. «مَنْ كَانَ لِلَّهِ، كَانَ اللَّهُ لَهُ»

یکی از برجسته‌ترین مظاهر خدامحوری در وجود شهید «اخلاص» او بود. او جز در برابر دشمن حاضر نبود خود را مطرح کند. او خالصانه سرمایه وجودی‌اش را به میدان می‌آورد و به فکر سود و زیان خود نبود. دین خدا و ولی خدا را در جاهایی نصرت کرد که هنوز گوش نامحرمان و چشم ناهلان نباید و نشاید که از آن با خبر شوند.

او شیرینی نگاه خداوند به خود و خدماتش را با هیچ امتیاز دیگری عوض نکرد و در آخرین پیغامی که برای ما خاکیان گرفتار در گرداب منیت و شهوات آلوده‌ساز به یادگار گذاشت این بود که «خداوندا مرا پاکیزه بپذیر»^۱

۱. آخرین دست نوشته سردار سلیمانی قبل از شهادت که کمی قبل از پرواز از دمشق به بغداد در پنجشنبه ۱۲ دی ماه نوشته و آن را در کنار آینه محل اقامت خود قرار داده و قلم را روی آن گذاشته بود.



۲- دینداری و تشریح و پای بندی به احکام شرعی

اگر چه نزدیک به دوسال از شهادت شهید سلیمانی گذشته است هنوز وقتی به خاطرات تشییع حماسه‌گون او و یارانش در شهرهای مختلف در عراق و ایران فکر می‌کنیم به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که چگونه خداوند محبت او را در دل های مردم نهاد؟ راز و رمز این شیفتگی و دلباختگی نسبت به او چیست؟

با تکیه به معارف اسلامی و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام می‌توان به پاسخ شایسته‌ای برای این سؤال دست یافت و آن چیزی جز «دینداری واقعی» و «ایمان و عمل صالح» نیست.

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا.»^۲

مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می‌دهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ تُورَثُ الْمَحَبَّةَ : الدِّينُ وَ التَّوَّاضُعُ وَ البَدَلُ»^۳

سه چیز محبت می‌آورد: دین داری، تواضع و بخشش.

۲. سوره مریم آیه ۹۶

۳. تحف العقول صفحه ۳۱۶



او به راستی «مؤمن» بود و به بندگی خدا افتخار می‌کرد و سند عمل صالحش یک عمر «جهاد» در راه خداست که در معارف اسلامی برترین اعمال نامیده شده است.

« أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ الصَّلَاةُ لَوْ قُتِلَ بِهَا، ثُمَّ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ، ثُمَّ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ »^۴

دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند: نماز اول وقت، سپس نیکی به پدر و مادر و سپس جهاد در راه خداست. بنابراین باید رمزراز محبوبیت حاج قاسم را در عنصر دینداری، ایمان و عمل صالح او جستجو کرد.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که خود گوهرشناسی زبردست است، به خوبی گوهر دینداری شهید سلیمانی را کشف کرده بود و لذا در بیان ویژگی‌های شهید بر این ویژگی تأکید فرمودند:

«یک خصوصیت دیگر این بود که هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، هم در عین حال بشدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش میکنند، میگویند وقت این حرفها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمیبرد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی میکرد که معمولاً در عرصه‌ی نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمیدانند؛ [لکن] او احتیاط میکرد.»^۵

۴. نهج الفصاحه ح ۷۰

۵. بیانات در دیدار با مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸



۳- ولایت مداری

اگر مهم‌ترین ویژگی مردان الهی را «خدامحوری» بدانیم باید گفت مهم‌ترین ثمره و برکت آن «ولایت‌مداری» است.

افتخار همراهی و «معیت» اولیای الهی تنها نصیب «رئیون» می‌شود. رئیونی که در مسیر مبارزه سازش را بر مقاومت ترجیح نمی‌دهند و هم‌رکابی با ولی حق را بر لبخند رضایت دشمن عوض نمی‌کنند.

قرآن در ابتدای آیه (سوره آل عمران) به این امر مهم اشاره دارد و می‌فرماید: «وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيِّ قَاتِلٍ مَّعَهُ رِئُونَ كَثِيرٍ» در مکتب شهید سلیمانی تنها بوی عطر ولایت پیچیده است. او در دوران رهبری امام خمینی (ره) همچون سربازی فداکار در جبهه‌ها به دنبال امر «ولی فقیه» بود و در دوران رهبری نیز همه سرمایه وجودی‌اش را در دفاع از «ولی فقیه زمانش» به میدان آورد.

اگر او را «مرد میدان» می‌خوانیم نه تنها به دلیل «مردانگی و جنگاوری» او در مقابل دشمن بلکه بیش از آن به دلیل «پایمردی» او در راه ولایت است.

او «ولایت‌پذیری» و در رکاب رهبر بودن را راه رستگاری می‌دانست که هم خود عامل به آن بود و هم دیگران را به آن دعوت می‌کرد. این



کلام شیرین و صادقانه و از دل برآمده او را به یاد آوریم که فرمود:

« **والله والله والله** از مهمترین شئون عاقبت بخیری این است. **والله والله والله** از مهمترین شئون عاقبت بخیری رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی {رهبر معظم انقلاب} است که امروز سگان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهمترین محور محاسبه این است. »

برخی از کسانی که شاهد روابط رهبر معظم انقلاب اسلامی با حاج قاسم بوده‌اند شهادت می‌دهند که میزان ولایت‌پذیری او در برابر رهبری تا جایی بود که حتی اگر در مسئله‌ای نظر متفاوتی با رهبری داشت، کاملاً تسلیم نظر رهبری می‌شد و در تحقق آن صادقانه عمل می‌کرد و جالب این است که بارها به دوستانش می‌گفت علی‌رغم نظر دیگری که داشته در عرصه عمل متوجه شده‌است که نظر رهبری درست بوده‌است.

او ولایت فقیه را اصل اساسی حفظ نظام که امام خمینی(ره) آن را اوجب واجبات برمی‌شمرد، می‌دانست و معتقد بود که برای دفاع از آن باید جان داد.

«**اصل اساسی نگه‌دارنده این نظام، ولی فقیه است.** این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جانمان و خونمان در همه آحادمان دفاع می‌کنیم، جانمان را هزاران بار می‌دهیم.»



او در وصیت نامه خود نیز بر این امر تأکید و نوشته است:

« برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.»

تاریخ شهادت می‌دهد که خود آئینه تمام‌نمای عمل به این توصیه بود و به راستی خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود می‌دانست.



۴- انقلابی‌گری

شهید سلیمانی الگوی تمام عیار «انقلابی‌گری» است.

شخصیت، عملکرد و راه و رسم آن شهید باطل‌السحر همه تلاش‌های بدخواهانی است که درصددند مفهومی انحرافی و تحریف‌گونه از «انقلابی‌گری» را در افکار عمومی و اذهان جامعه جایگزین سازند.

«انقلابی‌گری» یعنی شاگردی در مکتب امام خمینی (ره) که به تعبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی مشتمل بر سه مؤلفه مهم و درهم تنیده یعنی «عقلانیت»، «عدالت» و «معنویت» است.

امام خامنه‌ای می‌فرمایند: «مکتب امام یک بسته کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است... بُعد سوم هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است، این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است؛ و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید.»^۶

۶. بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)



شهید سلیمانی به عنوان یک عنصر انقلابی مظهر عقلانیت انقلابی بود چه در عرصه نظامی و حضور در میدان رزم به عنوان یک فرمانده و طراح عملیات نظامی و چه در عرصه دیپلماسی به عنوان یک دیپلمات انقلابی و چه در عرصه سیاسی به عنوان یک چهره وفادار به نظام که هرگز خود را اسیر بازی های سیاسی جاهلانه و جناح بندی های سیاسی نکرد و چه در عرصه فرهنگی که تلاش می کرد به دور از هیجانات معمول برخی از مذهبی ها با جذب همه سلیق و فراخواندن همه به اردو زدن در خیمه انقلاب، دایره انقلاب را وسعت ببخشد و از ایتم آل محمد (ص) که در معرض تندباد تهاجم فرهنگی دشمنان هستند محافظت و حراست ایمانی کند.

او همچنین نماد «عدالت» و ظلم ستیزی بود. در ظلم ستیزی او همین بس که توانست با تقویت جبهه مقاومت در برابر ظلم های فاحش صهیونیسم بین الملل و نظام سلطه علیه ملت مظلوم فلسطین و سایر ملت های منطقه سد پولادینی ایجاد کند و دست بزن جبهه مقاومت در برابر تعدی دشمن را پر قدرت بسازد.

در داخل کشور نیز حاج قاسم در عمل نشان داد که در خدمت مظلومان و محرومان است. صحنه های حضور او در کنار مردم سیل زده و در مناطق زلزله زده گواه صادقی بر این ویژگی او است. البته این دو عنصر در وجود حاج قاسم که تربیت شده مکتب



خمینی کبیر بودوگل وجودش در باغستان ولایت رهبری شکفته و عطرافشانی کرده بود با عنصر «معنویت» در آمیخته بود و از او که عطر و بوی شهادت می‌داد یک انسان معنوی تمام عیار ساخته بود. اگر چه ما صحنه‌های نماز و قنوتش را در بیابان‌ها و صحنه‌های نبرد و دلدادگی‌های رضوی‌اش را در حرم مطهر امام رئوف علیه السلام از دریچه دوربین‌ها دیده‌ایم اما به فرشتگان الهی که در سهرهای سحرگاهی‌اش شاهد نجوای عارفانه او با خداوند کریم بوده‌اند حسرت می‌خوریم که چه شور و شعفی از نمازها و نیایش‌های شباهنگامش پیدا می‌کردند و به یاد می‌آوردند که چرا خداوند در هنگام آفرینش «آدم» در پاسخ «نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» «آنان فرموده بود «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.»



۵- مردمی بودن

حاج قاسم از مردم بود. از دل مردم و از متن زندگی مردم برخاسته بود. روستایی زاده‌ای بود که از عنفوان جوانی با فراز و نشیب‌های زندگی که همه مردم آن را تجربه می‌کردند آشنا بود. از دغدغه‌های مردم با خبر بود و آنها را خوب می‌فهمید. از حضور میان مردم خسته و ملول نمی‌شد بلکه آدمی احساس می‌کرد بار خستگی‌های جانکاهش را با در کنار مردم بودن فرومی‌کاهد. او پیامبرانه در کنار مردم بود. آن طور که خداوند در باره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و سلم می‌فرماید:

« قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ. (توبه ۱۲۸) »

به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است.

آری او پیامبرانه در کنار مردم بود با دو ویژگی ارزشمند یعنی «مهربانی» و «خدمتگزاری».

او دلسوز مردم بود ولی نه برای توجه مردم به خودش و خود را خدمتگزار آنان می‌دانست اما نه به قصد فاکتور کردن خدماتش در انتخابات برای رأی‌آوری.



او خود را «خادم ملت» می‌دانست نه برای شاخ و شانه کشیدن برای نظام و نسبت به آنها انس و الفت داشت نه برای فریب آنان.

او مردم را برای مردم می‌خواست و به خدمتگزاری برای آنان افتخار می‌کرد و تحمل این که بار غمی بر چهره آنان نشسته باشد را نداشت و برای همین تلاش کرد خود بار غمی بر چهره آنان نیفکند.

دستان قلم شده او در مسیر خدمتگزاری به ملت نشان می‌دهد او به تاسی از مولایش حضرت کاشف‌الکرب ابوالفضل‌العباس علیه السلام برای آن که غبار غمی بر چهره سید و مولایش و اهالی جبهه ولایت و مردم ننشیند، «دست» خود را داد اما «دست» از سقاییت مردمی که تشنه خدمات صادقانه‌اش بودند، برنداشت.



۶- شهیدانه زندگی کردن

یکی از عناصر برجسته در زندگی و مکتب حاج قاسم «شهیدانه زندگی کردن» است.

او به راستی عاشق شهادت بود اما به خوبی دریافته بود که برای نیل به این شرف عظیم باید «شهیدانه» زندگی کند. او با شهدا انس دیرینه داشت. با آنها زندگی و رازگویی می‌کرد. از عشق‌ورزی به شهدا خسته نمی‌شد.

از تبرک جستن به تصاویر شهیدان ابایی نداشت و هر قاب تصویر آنان را «حرمی» می‌دانست که باید به ضریح آن چنگ زد و از آن کسب فیض کرد.

از دیدار با خانواده شهیدان لذت می‌برد و کسب آبرو می‌کرد. شاید این ادعای گزافی نباشد که او از زمره نوادر روزگار ما بود که خانواده معظم شهدا را چشم و چراغ ملت می‌دید و از این منابع نور برای روشن کردن راه رستگاری خود استضاءه می‌نمود.

او اولین طراحان یادواره شهدا در استان هاست. در هر یادواره‌ای که امکان حضور داشت شرکت می‌کرد نه صرفاً برای سخنرانی تشریفاتی که برای نجوای با شهیدان.

او خود گفته بود: «نکته، نکته مهمی است که خواهران من، برادران من، عزیزان مشتاق، تا کسی شهید نبود، شهید



نمی‌شود. شرط شهید شدن، شهید بودن است. اگر امروز کسی را دیدید که بوی شهید از کلام او، از رفتار او و از اخلاق او استشمام شد، بدانید او شهید خواهد شد. تمام شهدای ما این مشخصه را داشتند.»

برای همین بود که مردم از او بوی عطر شهادت استشمام می‌کردند و او را قبل از شهادت، شهید می‌دانستند. او به راستی یادگار دوران دفاع مقدس و بقیه‌السلف شهدا بود که خداوند به نسل چهارم انقلاب این فرصت را داد تا از نزدیک سیمای دفاع مقدس را در چهره و منش زندگی او مشاهده کنند و شهیدانه زندگی کردن را افسانه نیندارند و امکان‌پذیری آن را برای همه مشتاقان از عمق وجود درک کنند.

آری شهید سلیمانی و یاران شهیدش که مدال پرافتخار مدافعین حرم را بر سینه دارند نشان دادند در اوج طوفان سهمگین دنیازدگی می‌توان شهیدانه زیست و لیاقت نشستن بر سفره شهادت و تناول از رزق کریمانه شهادت را روزی خود کرد.

عشق و علاقه شهید به شهدا چنان بود که می‌فرمود: «باید خانه هر ایرانی یک عکس شهید باشد. اگر در اداره ای دولتی یا خصوصی عکسی از شهید نباشد این بی‌معرفتی است. شمال و جنوب تهران و ایران و همه ما مدیون شهدا هستیم. یک زمانی فرمانده سپاه خدمت آقا رفت و گفت می‌خواهیم امام



زاده ها را بازسازی کنیم که رهبری فرمودند شما مقبره امام
زادگان خودتان یعنی شهدا را بسازید.»^۷

امروز چه بسیار محتاج شاگردی در مکتب شهید سلیمانی
هستیم تا بیاموزیم «صحنه زندگی» نیز صحنه مبارزه است که
نباید با غفلت از میدان آن گریخت بلکه باید با شجاعت در آن
حضور یافت و در عین زندگی کردن به آن معنا بخشید و آن را بستر
فوز و فلاح ساخت.

۷. سخنرانی در یادواره شهدای ملایر اول مهر ۱۳۹۵



۷- پیوند دهنده نسل نوی انقلاب با دوران دفاع مقدس

شهید سلیمانی ترجمه و نماد ارزش‌های دفاع مقدس بود. گل حاج قاسم در بوستان دفاع مقدس روییده و بذر شخصیت انقلابی‌اش با زلال جاری ارزش‌های والای شهیدان و مجاهدان دوران دفاع مقدس آبیاری شده و به بار نشسته بود.

او فقط یادگار و بازمانده آن دوران درخشان در تاریخ انقلاب اسلامی نبود او شیشه عطری بود که عطر خوشبوی همه ارزش‌های دوران دفاع مقدس را در خود ذخیره کرده بود که با گفتار و رفتار خود جامعه را از عطر آن معطر و سرمست می‌کرد.

او مصداق بارز استجابت دعای امام خمینی (ره) در پیام استقامت بود که از خدا خواسته بود: «**خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن.** خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش...»^۸

وجود حاج قاسم امتداد دفاع مقدس بود و خدا خواست که او در هنگامه‌هایی که پای بسیاری از مدعیان در چرب و شیرین دنیا لغزید با راه و رسم شهیدان‌اش نشان دهد همچنان می‌توان پای دفتر و کتاب شهادت مشق عشق کرد و مشعل پرفروغ شهادت را شعله‌ور

۸. صحیفه حضرت امام، ج ۲۱، ص ۹۳



نگاه داشت تا در تاریکی زنگارهای غبارآلود شهوات و تمنیات دنیا راه وصال به معبود را گم نکرد و مردانه برای پیمودن آن قدم برداشت. حاج قاسم شهید زنده بود و زنده بودن فرهنگ شهادت را به همگان نشان داد و از آن به خوبی پاسداری کرد.

او به راستی پیوند دهنده نسل اول و سوم و چهارم انقلاب با ارزش‌های طلایی دوران دفاع مقدس بود. جاذبه شخصیت و عطر و بوی دوران مشعشع دفاع مقدس که از وجودش برمی‌خاست، آن چنان جوانان نسل سوم و چهارم انقلاب را مدهوش می‌ساخت که برای «مدافع حرم» شدن سراز پا نمی‌شناختند. او نشان داد نسل نوی انقلاب از ظرفیت‌های بالایی برای تأسی به الگوهای صدر انقلاب و دوران دفاع مقدس برخوردار است و آنچنان مسحور حماسه آفرینی‌های سبکبالان عاشق جبهه‌های نور در آن دوران است که خواهد توانست امتداد بخش دفاع مقدس و بازآفرین ارزش‌های بی‌نظیر آن دوران باشد.

شاگردان مکتب شهید سلیمانی شهید حججی‌ها هستند که برپای پدر و مادر بوسه زد تا با کسب رضایت آنان مدافع حرم شود او حماسه شکوه مقاومت حضرت زینب سلام‌الله علیها را در هنگام اسارت به دست داعشیان تجدید کرد و با لبخند ملیحش در اسارت آن دژخیمان که می‌رفتند سراز تنش جدا سازند به عالم و آدمیان نشان داد کلام زینب کبری سلام‌الله علیها همچنان طنین افکن است که «ما رأیتُ الا جمیلاً».

۸- صاحب صبر و بصیرت بودن

قرآن در صوره صاد آیه ۴۵ به دو ویژگی مهم بندگانی که مورد ستایش خداوند قرار گرفته‌اند اشاره کرده و می‌فرماید:

«وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ»
و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را یاد کن که دارای قوت و بصیرت بودند.

به راستی حاج قاسم نماد صبر، قوت و بصیرت انقلابی است. همگان حاج قاسم را به عنوان قهرمان جبهه مقاومت می‌شناسند که توانسته بود به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند و با قدرت و قوت انقلابی از جبهه مقاومت سد پولادینی در برابر تجاوزات و تعرضات صهیونیسم بین‌الملل و رژیم اشغالگر قدس بسازد. او مصداق بارز رادمردانی پیکار جواست که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در وصفشان فرمود که برخلاف دنیاپرستان در شهوات غرق نشده و اسیر فتنه نگردیدند و با فتنه‌انگیزان مماشات نکردند و با فداکاری و جانبازی در راه دین خدا پیکار کردند و به خاطر مجاهدت خویش در راه دین خدا بر خدا منت ننهادند و «حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَىٰ أَسْيَافِهِمْ» از روی بصیرت دست به اسلحه بردند و دینداری خویش و اطاعت‌پذیری از رهبر دینی را در عمل به اثبات رساندند.^۹

۹. خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه





بنابراین رمز و راز قهرمانی اش را باید در «بصیرت» انقلابی او سراغ گرفت چرا که او عقبه‌های استراتژیک جبهه خودی و دشمن را به خوبی می‌شناخت و می‌دانست که باید در مقابل دشمن، صلابت انقلابی جبهه حق را به نمایش گذاشت و ذره‌ای تردید و تزلزل به خود راه نداد. او در حقیقت به عنوان فرزند معنوی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نصیحت پدر را با گوش جان نیوشیده بود که فرمود:

« تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ عَصَى عَلِيٍّ نَاجِدِكَ أَعْرَأَ اللَّهُ جُمُجْمَتَكَ تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ أَوْمَ بَبَصْرِكَ أَفْصَى الْقَوْمِ وَغَضَّ بَصْرَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ شَبْحَانَهُ. »^{۱۰}

اگر کوه‌ها متزلزل شود تو تکان نخور! دندانهایت را به هم بفشار و جمجمه خویش را به خدا عاریت ده! قدمهایت را بر زمین میخکوب کن! و نگاهت به آخر لشکر دشمن باشد! چشمت را فرو گیر (و مرعوب نفرات و تجهیزات دشمن نشو)! و بدان! نصرت و پیروزی از سوی خداوند سبحان است.

بدون تردید اگر حاج قاسم را قهرمان مبارزه با تروریسم می‌دانیم به دلیل بصیرت انقلابی او در شناخت عمیق و صحیح او از عقبه‌های گروهک‌های تروریستی در اتاق‌های فکر مثلث شوم غربی، عبری و عربی است.

۱۰. خطبه ۱۱ نهج البلاغه



او به درستی آبشخور گروهک‌های تروریستی و تکفیری از جمله داعش را در کشورهای غربی که هزینه‌های آن از شیوخ ارتجاع عرب تأمین و توسط رسانه‌های تحت حمایت صهیونیسم بین‌الملل پشتیبانی می‌شد را به درستی شناخت و با این شناخت بود که توانست عقبه‌های این گروهک تروریستی را کور و طعم شکست در سوریه و عراق را به آنها بچشاند.

بصیرت انقلابی او بود که توانست توطئه تفرق و تنازع بین مذاهب اسلامی را خنثی کرده و از وقوع جنگ بین شیعه و سنی که بر اثر حملات ددمنشانه گروهک‌هایی نظیر داعش به مقدسات شیعیان می‌رفت آتش آن شعله‌ور شود، جلوگیری به عمل آورد و با هوشیاری مثال‌زدنی، جبهه مقاومت را متشکل از انقلابیون شیعه و سنی که دوشادوش هم علیه صهیونیسم می‌جنگیدند را شکل دهد و روز به روز آن را منسجم‌تر و مقتدرتر سازد.



۹- دشمن شناسی و دشمن ستیزی

یکی دیگر از وجوه شخصیتی حاج قاسم ویژگی های رفتاری او در برابر دشمنان انقلاب است که آن را می توان در چند عنوان کلی مطرح کرد از جمله:

- دشمن شناسی
- دشمن ستیزی
- نهراسیدن از دشمن و منفعل نبودن در برابر دشمنان
- واز همه مهم تر هراسی افکنی از خود و جبهه حق در دل دشمن

حاج قاسم دشمن و جبهه دشمن را به خوبی می شناخت. هرگز در شناخت دشمن دچار اشتباه محاسباتی نشد و از این مهم تر نگذاشت دشمن دستگاه محاسباتی او را مختل کند. به همین دلیل مانند مولا و مقتدایش به دشمن اعتماد نداشت و به آنها خوش بین نبود. فریب لبخند آنها را نمی خورد و قهر و اخم و شاخه شانه کشیدن دشمن را ناشی از درستی عملکردش و دلیلی برای پوشاندن ضعف های آنها تلقی می کرد.

او از مواجهه رو در رو با دشمن پرهیز نداشت و چون از قوت ایمانی خود مطمئن و به نصرت الهی اعتقاد داشت دشمن را به میدان مبارزه فرامی خواند و از مبارزه رو در رو با دشمن هراس به دل راه نمی داد.



او در پاسخ تهدید های ترامپ علیه ایران در یادواره شهدای استان همدان گفت: « این شان رئیس جمهور کشور بزرگ اسلامی ایران نیست که به او جواب بدهد. من به عنوان سرباز این ملت به او جواب می‌دهم. » و خطاب به او گفت:

«تو ما را تهدید می‌کنی به اینکه اقدامی انجام می‌دهی که در دنیا سابقه ندارد. پرسید از فرمانده وقت خودتان که چه کسی را به ایران به پیش من فرستادید ، سرباز یک کشور و نه رئیس جمهور یک کشور، آمد و گفت که آیا می‌شود به ما مهلت بدهید و از نفوذ خود استفاده کنید، سربازان ما این چند روز مورد حمله مجاهدین عراق قرار نگیرند تا ما از عراق خارج بشوم. شما یادتان رفته است که برای سربازان درون تانک‌ها پوشاک بزرگسالان تهیه می‌کردید؟ امروز کشور ما را تهدید می‌کنید؟ با چه پیشینه‌ای تهدید می‌کنید؟ شما برای ما خط و نشان می‌کشید؟ ایران نمی‌خواهد، نیروهای مسلح ایران نمی‌خواهد بلکه **من حریف شما هستیم**. نیروی قدس حریف شماست. بدانید اشهد بالله، هیچ شبی نیست که ما نخوابیم و به شما فکر نکنیم. به شما می‌گوییم، **آقای ترامپ قمارباز، من به شما می‌گوییم، بدان که در آنجایی که فکر نمی‌کنی، ما در نزدیک شما هستیم**. در هر کجا که تصور نمی‌کنی، ما در کنار شما هستیم. **ما ملت شهدا هستیم**. ما ملت امام حسینیم. پیرس. ما حوادث سختی را پشت سر گذاشتیم. **بیا ما منتظر هستیم**. **مرد این میدان برای شما ما هستیم**. شما می‌دانید که این جنگ یعنی نابودی همه



امکانات شما است. این جنگ را شما شروع می‌کنید ولی پایانش را ما ترسیم می‌کنیم. بنابراین نباید به ملت ایران اهانت کنید.»^{۱۱}

او نه تنها از دشمن، هراسی به دل راه نمی‌داد بلکه حسرت این هراس را تا هنگام شهادت بر دل آنها نهاد و متقابلاً با جهاد مؤمنانه خود و پیوند مستحکمی که با خدای خویش برقرار کرده بود توانست هراس از خود و یارانش در جبهه مقاومت را بر دل دشمن بیفکند.

زره او همچون مولایش پشت نداشت. اگر چه او اهل رو در رو شدن با دشمن بود لیکن دشمن قدرت رویارویی با او در میدان جنگ را نداشت و با اقدامی زبوانه او را در عملیاتی تروریستی هدف قرار داد تا برای همیشه در تاریخ، این حقیقت به یادگار بماند که «مرد میدان» در محراب شهادتش مردانه به شهادت رسید تا خباثت و بزدلی دشمنانش بیش از پیش بر تارک تاریخ درخشان مقاومت اسلامی بدرخشد و روسیاهی آن به چهره پلید و زغال صفت آمریکا بماند.

۱۱. سخنرانی شهید سلیمانی در یادواره شهدای استان همدان ۴ مرداد ۱۳۹۷

۱۰- الگویی برای مدیریت جهادی

شهید سلیمانی را باید نماد مدیریت جهادی دانست. با نگاه به شخصیت و سبک مدیریتی شهید سلیمانی می‌توان خصوصیات را به عنوان سبک مدیریت جهادی استخراج کرد که در عرصه مدیریتی امروز کشور به شدت به آن نیازمندیم.

۱. وفاداری به اصول اساسی نظام و فداکاری در راه آنها

۲. تدبیر و عقلانیت

۳. شجاعت در تصمیم‌گیری و قدرت ریسک‌پذیری بالا

۴. خفیف‌المؤونه و کثیر‌المعونه بودن (خدمتگزاری کم هزینه)

۵. قدرت تأثیرگذاری بر جامعه

۶. مقاومت و قدرت مقاومت‌سازی جامعه

۷. قدرت ابتکار عمل در بحران‌ها

۸. قدرت تبدیل تهدید به فرصت

۹. عدم اتکا به امکانات و منابع مالی برای ارائه خدمت

۱۰. در تلاش برای تحقق عدالت و ایجاد رضایتمندی و وحدت و

انسجام در جامعه

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در باره شهید فرموده‌اند: « شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند اما اهل اقدام و





عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت - به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه فقط در این حوادث این روزها، [بلکه] در دوران دفاع مقدس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین جوری بود؛ خودش و لشکرش - هم با تدبیر بود؛ فکر می‌کرد، تدبیر می‌کرد، منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصه سیاسی فعالند این را می‌گفتم؛ رفتار او را، کارهای او را [می‌دیدم]. در عرصه سیاست هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع‌کننده بود، تأثیرگذار بود.»^{۱۲}

شهید سلیمانی معتقد بود:

«مهم‌ترین موضوعی که امروز در جامعه ما وجود دارد و باید به آن توجه کنیم موضوع مدیریت در جامعه است... مدیر یک قله برافراشته است... این‌ها دامنه‌ها را متأثر می‌کنند. دینداری این‌ها، امانتداری این‌ها بر دینداری و امانتداری جامعه اثر دارد... مدیر اثرش یک اثر جمعی است... مگر می‌شود مدیر یک جامعه‌ای، [یا] من به عنوان یک فرمانده، در درون جامعه‌ای فاقد معنویت باشم و انتظار داشته باشم جامعه معنویت داشته باشد؟... اگر می‌خواهیم جامعه ما یک جامعه مقاوم بشود، شرطش این است مدیران باید متناسب با چنین

۱۲. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸



جامعه‌ای باشند و بشوند... من فرمانده اگر در بحران ترسیدم، جا خوردم و فرار کردم، چه می‌شود؟ لشکر من متلاشی می‌شود و جبهه من فرو می‌ریزد... اینکه من اینجا بنشینم و بگویم، من فرماندار و بخش هستم، یه پولی می‌آید، اگر پول آمد من مدیر هستم و اگر پول نیامد من بیکار هستم و من پشت میز می‌نشینم. این مدیریت نیست. مدیر باید خلاق و نوآور و مبتکر باشد. از دل بحران خلاقیت ایجاد کند. بحران را دور بزند و سرکوب کند و به ضد بحران تبدیل کند... ما بعضی از اصول برایمان مهم هستند و بعضی نیستند بلکه فروع هستند. حفظ جناح فرع است و اصل ولی فقیه است. اصل جمهوری اسلامی است. اصل نظام اسلامی است... مدیر تعلقش به این اصول باید بالاتر از همه آحاد مردم باشد. اگر من امروز در اینجا فرمانده نیروی قدس بودم، باید در این ابعاد از تمام افراد تحت امر خودم، باید بالاتر، متعصب‌تر و مدافع‌تر باشم، فداکارتر باشم. اگر من به عنوان مدیر و مسئول در این سازمان، نسبت به این اصول کم اعتقادتر و بی اعتقاد باشم، این جامعه تحت امر خودم را به ناکجا آباد می‌برم... اگر می‌خواهیم [جامعه] به وحدت حقیقی برسد، باید جامعه را در همه سطوح به اصول متوجه کنیم... او خودبین نیست او خود را فراموش می‌کند. او خطا بین است او خادم می‌شود... ممکن است ما در مدیریت معجزه نکنیم اما می‌توانیم رضایت‌مندی، عدالت‌محوری و اخوت و برادری را و همراهی و همپایی و همزیستی و مثل هم بودن را در جامعه خودمان ایجاد کنیم.»^{۱۳}



۱۱- مدافع حرم

نام حاج قاسم اگر چه با کلیدواژه «مقاومت» درآمیخته است اما اگر درآمیختگی عنوان «مدافع حرم» با شخصیت شهید بیش از درآمیختگی «مقاومت» با شخصیت او نباشد، کمتر نیست.

او پیشقراول و کاروانسالار مدافعین حرم بود و در هنگامه‌ای که حریم اهل بیت علیهم‌السلام مورد هتک حرمت قرار گرفت با کمک یاران عاشورایی‌اش تا توان داشت نگذاشت دست حرامیان به حریم حرم‌های اهل بیت خصوصا حرم حضرت زینب سلام‌الله علیها و نجف و کربلا برسد.

لشگری که او از دلداگان به آل‌الله تحت عنوان فاطمیون، زینبیون، حیدریون و ... ساخت، دست دشمنان را از حریم اهل بیت کوتاه کرد و قدرت غیرت دینی شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام را به دنیا، تکفیری‌ها و اربابان‌شان نشان داد.

همگان نقش برجسته او در تأمین امنیت زائران اربعین حسینی در شرایط تهدید داعش را به یاد دارند که نه تنها تدابیر او باعث شکست داعش و ناکامی از توطئه‌ای که علیه زوار اربعین تدارک دیده بودند، شد بلکه شکوه راهپیمایی اربعین و عظمت ملت امام حسین(ع) را که پس از قرن‌ها با پرچم یالثارات الحسین شعار لبیک یا حسین سر می‌دهند را به رخ جهانیان کشید.



۱۲- امنیت‌ساز و امنیت‌آفرین برای ایرانی که آن را «حرم» می‌دانست

شهید سلیمانی ایران را «حرم» می‌دانست. او در وصیت‌نامه خود نوشته است:

« جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص).»

به همین خاطر وجودش را صرف تأمین امنیت مردم ایران کرد و در انجام این وظیفه هیچ کوتاهی روا نداشت. او به عنوان یک ایرانی غیور چشم طمع دشمنان را با وسعت بخشی به عمق استراتژیک نظام کور کرد و دشمنان قسم خورده انقلاب را از هر گونه تعرضی به ایران عزیز منصرف کرد.

او بود که در شرایطی که همه کشورهای منطقه دچار تلاطم و ناامنی شده بودند با تحقق منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران را به امن‌ترین کشور منطقه تبدیل کرد.

این در حالی بود که به هیچ عنوان و هرگز از سیاستمداران و مردم کشورهای منطقه که ایران در آنها حضور مستشاری داشت و به



عنوان عقبه‌های استراتژیک نظام محسوب می‌شدند استفاده ابزاری نکرد.

او امنیت و قدرت ایران را در سایه امنیت و قدرت‌های کشورهای همسو با انقلاب اسلامی می‌دانست و به دنبال تحقق بخشی به «عراق قوی»، «سوریه قوی»، «لبنان قوی»، «یمن قوی» و «فلسطینیان قوی» بود.

قدرتی که او در جبهه مقاومت ایجاد کرد نه تنها آنها را در برابر دشمنان قوی ساخت و هزینه تعرض به کشورهای جبهه مقاومت و مردم مظلوم فلسطین، غزه و لبنان را برای استکبار جهانی و صهیونیست‌ها بالا برد بلکه باعث شد ایران عزیزمان از تهدیدهای دشمنان مصون شود و حسرت هرگونه تعرض به دل دشمنان باقی بماند.

او توانست فرهنگ مقاومت را به دل مردم منطقه ببرد و طعم شیرین آن را به آنها بچشاند. سند این ادعا سازماندهی مردم در گروه‌ها و تشکل‌هایی است که روزی امام راحل (ره) دستور داده بود به عنوان هسته‌های مقاومت خواب راحت را از چشم دشمنان بربایند.

آری او امنیتی مردم‌پایه را در کشورهای منطقه بنیان نهاد که ثمرات و برکات آن نیز منجر به امنیت ایران عزیزمان شد.



۱۳- رزمنده بی مرز

حاج قاسم اگر چه دل در گروی ایران داشت و همانگونه که گفته شد جمهوری اسلامی را حرم و دفاع از آن را برای خود واجب می‌دانست اما روح بلند و الهی‌اش او را از دیگر ملت‌های مظلوم و تحت ستم غافل نمی‌کرد.

در یاری ستمدیدگان از نظام سلطه و زخم خوردگان از اذتاب استکبار جهانی ذره‌ای تردید به خود راه نمی‌داد. اسیر تحلیل‌های غلط و گمراه کننده مدعیان بینش سیاسی که جمهوری اسلامی را به مسائل داخلی و پرهیز از درگیر شدن با مسائل خارج از کشور و منطقه دعوت می‌کردند، نشد. بلکه تا توانست تلاش کرد عقبه‌های استراتژیک نظام را گسترش دهد و بر عمق آن بیفزاید.

او با درک صحیح از تغییر معادلات جهانی دریافته بود که دشمن پس از ناکامی از تحمیل جنگ تحمیلی و ناامیدی از فتنه‌های داخلی در صدد است تا جمهوری اسلامی را در منطقه محصور و محدود ساخته و ضعیف کند و در نهایت ضربه کاری را بر آن وارد سازد.

او به اهمیت این پروژه با توجه به نقش آفرینی مستقیم و آشکار آمریکا در آن واقف شده بود. آمریکا دریافته بود کشورها و شیوخ مرتجع عرب با همه خوش‌رقصی‌هایی که برای صهیونیسم بین‌الملل و استکبار جهانی می‌کنند قادر به ایجاد چالش جدی



برای جمهوری اسلامی نیستند و او چاره‌ای جز آن که خود به معرکه بیاید، ندارد. براین اساس آمریکا با تحمیل هزینه ۷ تریلیون دلاری حضور خود در منطقه به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و شپردوشی از گاوهای شیرده خود در کشورهای خریول منطقه تلاش کرد خود راهبری این پروژه را برعهده بگیرد.

در چنین شرایطی ماندن در حصار مرزهای جغرافیایی هزینه‌های بی‌شماری به ایران تحمیل می‌کرد. شهید سلیمانی با درک این خطر مهم و با هشدار رهبری که کلام امیر سخن را فریاد می‌کرد:

« فَوَاللَّهِ مَا عُزِّيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا به خدا سوگند! هر زمان، قوم و ملتی در درون خانه اش، مورد هجوم دشمن قرار گرفته، ذلیل و خوار شده است »^{۱۴}

توانست جبهه رو در رویی با دشمن را به فرامرزهای ایران اسلامی برد و معادلات طراحی شده دشمن را برهم زد.

تیزهوشی شهید سلیمانی به حدی بود که توانست آمریکا را در باتلاق حضور در عراق، سوریه، یمن و... گرفتار سازد و رویای آنها برای تسلط بر منطقه و تنگ کردن حصار ایران اسلامی را پیشان سازد و بدینسان نیروی قدس را به عنوان رزمندگان بی مرز به کابوس دشمنان ایران اسلامی و ملت های منطقه تبدیل کند.

۱۴. خطبه ۲۷ نهج البلاغه



۱۴- عارفی «دست‌گیر»

مقامات عرفانی چنان جذبه‌هایی در دل عارف ایجاد می‌کند که چه بسا آنها را از خلق جدا سازد و حتی نسبت به سرنوشت انسان‌ها بی تفاوت نماید. آنها کسانی‌اند که در طوفان موج دریای دنیا به دنبال بیرون آوردن گلیم خود از آب هستند هر چند ببینند که در مقابل چشم آنان انسان‌هایی که هر یک قابلیت «شدن» و به کمال رسیدن دارند، غرق می‌شوند.

حاج قاسم عارف بود ولی نه از این عرفا. او عرفان را در کنج خلوت درس و بحث و کتاب و دفتر و دوری از خلق به دست نیاورده بود. به تعبیر زیبای امام خمینی (ره):

«آنچه که آنان - فلاسفه و عرفا و هنرمندان - با قدم‌های علمی و استدلالی و عرفانی یافته‌اند اینان - شهدا و اسرا و مفقودین و آسیب دیدگان - با قدم‌های عینی به آن رسیده‌اند و آنچه که آنان در لابلای کتاب‌ها و صحیفه‌ها جستجو کرده‌اند، اینان در میدان خون و شهادت در راه حق یافته‌اند.»^{۱۵}

آری حاج قاسم در میدان نبرد به عرفان رسیده بود و به همین دلیل جدای از خلق نبود و تلاش می‌کرد از جرعه‌هایی که خود از معارف ناب نوشیده است دیگران را سیراب سازد و از جاماندگان

۱۵. پیام امام خمینی به ملت ایران ۱۳۶۲/۶/۶، صحیفه امام ج ۱۸،



«دست‌گیری» کند. بنابراین پرهیزی از این نداشت تا یافته‌های خود را با صمیمیت در اختیار دیگران قرار دهد و آنها را به راهی که خود می‌رود دعوت کند. او در یادداشتی به یکی از جوانان خطاب به وی می‌نویسد: «مهدی جان؛ تمام کسانی که به کمالی رسیدند خصوصاً کمالات معنوی که خود منشأ و پایه دنیوی هم می‌تواند باشد، منشأ همه آنها سحراست. سحر را دریاب نماز شب در سن شما تأثیری شگرف دارد اگر چند بار آنرا با رغبت تجربه کردی، لذت آن موجب می‌شود به آن تمسک یابی. زیربنای تمام بدی‌ها و زشتی‌ها دروغ است. از آن پرهیز، چون ضایع کننده و فاسد کننده تمام اعمال است. احترام و خضوع در مقابل بزرگترها خصوصاً پدر و مادر؛ به خودت عادت بده بدون شرم دست پدر و مادرت را ببوسی، هم آنها را شاد می‌کنی و هم اثر وضعی بر خودت دارد. عمویت ۱۳۹۱/۸/۱۷»

ملاحظاتى در نحوه معرفى
صحيح شهيد سليمانى
و مراسم بزرگداشت آن
شهيد والامقام



۱- هوشیاری در برابر خطر «تحریف» شخصیت و عملکرد حاج قاسم

حاج قاسم شخصیتی ذو ابعاد است. نباید گذاشت تصویری کاریکاتوری با بزرگنمایی یا کوچکنمایی برخی از ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی وی به افکار عمومی ارائه شود. مردم حاج قاسم را همان طور که بود دوست دارند نه حاج قاسمی که از دریچه تنگ نگاه گروه‌ها، جریان‌ها و سلايق مختلف دیده و شناسانده می‌شود.

قرآن می‌فرماید: « كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ. الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ »^{۱۶}

(ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همان گونه که بر تجزیه‌گران (آیات الهی) فرستادیم. همانها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند).

بنابراین باید حاج قاسم را همان طور که بود معرفی کرد. نباید گذاشت این شخصیت بزرگ ملی و حتی فراملی با برجسته‌سازی برخی ابعاد شخصیتی وی و غفلت از سایر ابعاد شخصیتی او به غلط و بد معرفی شود.

۱۶. سوره حجر آیات ۹۰ و ۹۱



نکته مهمی که در این باره باید به آن توجه داشت خطر «تحریف» چنین شخصیت‌های اثرگذاری است. شخصیت‌هایی مانند حاج قاسم که توانسته‌اند با اتصاف به برخی ویژگی‌های شخصیتی خود تأثیرات شگرفی را چه در دوران حیات مادی و چه با شهادت خود بر جامعه و آحاد مردم بگذارند بیش از سایر شخصیت‌ها در معرض تندباد سهمگین تحریف قرار دارند. بدخواهان برای این که تأثیر چنین شخصیت‌هایی را در جامعه به حداقل برسانند تلاش می‌کنند تصویری غیرواقعی، گاهی تک‌بعدی و قابل مناقشه و یا در تعارض با دیگر وجوه شخصیتی آن فرد ارائه دهند. امامین انقلاب یکی از مهم‌ترین تلاش‌هایشان مقابله با جریان تحریف بوده است.

ایستادگی امام خمینی (ره) در برابر طرح موضوع «جمهوری دموکراتیک اسلامی» که در صدد غیر دموکراتیک نشان دادن اسلام بود و یا موضع هوشمندانه امام خامنه‌ای در برابر طرح «اسلام رحمانی» که فرمودند نه اسلام است و نه رحمانی، از این منظر قابل تحلیل است.

ایشان همچنین در بیاناتی به خطر تحریف انقلاب و امام خمینی (ره) اشاره کرده و فرمودند:

«اکثر شما می‌دانید که انگیزه‌هایی برای تحریف شخصیت امام و تحریف انقلاب - که بزرگ‌ترین هنر امام بزرگوار بود - هست. ما باید



تکرار کنیم حقایقی را که در باب امام و در باب انقلاب گفته‌ایم، باز هم بگوییم و تکرار کنیم و مجال تحریف را از تحریف‌کنندگان بگیریم.^{۱۷}»

«آیا شخصیت‌ها را هم می‌شود تحریف کرد؟ بله. تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه اینها برمی‌گردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگو است، امام و پیشوا است، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زیان بزرگی به وجود خواهد آمد... اگر ملت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اینجا است که خطر تحریف امام اهمیت پیدا می‌کند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجا است که خطر تحریف امام به عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام،

۱۷. بیانات در مراسم سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۶



کسانی که علاقه به این راه دارند و عموم جوانان، فرزندان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود.^{۱۸}

رمز و راز توصیه رهبر حکیم انقلاب، امام خامنه‌ای که فرمودند: «سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم.» این است که اگر سردار سلیمانی به عنوان یک مکتب معرفی نشود خطر تحریف او با توجه به انگیزه‌های پلیدی که برای تحریف این شخصیت بزرگ و فراموش ناشدنی وجود دارد، به شدت افزایش خواهد یافت و تحریف‌کنندگان قادر خواهند بود یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های ملی را از دست ملت ایران و بلکه سایر ملل آزادیخواه برابیند.

۲- حاج قاسم نماد زنده بودن انقلاب است

رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید»^{۱۹} بنابراین مراسم بزرگداشت او نیز باید به نحوی برگزار شود که نشانه‌های زنده بودن انقلاب را آشکار سازد.

اگرچه وقوع انقلاب اسلامی و پدیداری آن در سال ۵۷ از نگاه

۱۸. بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

۱۹. بیانات در دیدار با مردم قم ۱۸/۱۰/۱۳۹۸



تحلیل‌گران منصف، به حق معجزه قلمداد می‌شود لیکن «ماندگاری»، «بقا» و «دوام» آن معجزه‌ای به مراتب شگفت‌آورتر از «معجزه وقوع» آن است.

این انقلاب در طول حیات خود گردنه‌های صعب‌العبوری را پشت سر گذاشته است که چه بسا اگر هر انقلاب دیگر و هر کشور و ملتی در معرض آنها قرار می‌گرفت سرنوشتی جز سقوط برایشان رقم زده نمی‌شد.

معجزه بالاترین که انقلاب در این مسیر سخت و ناهموار نه تنها ساخت حقوقی خود بلکه ساخت حقیقی‌اش را نیز حفظ کرده و از هیچیک از شعارها و آرمان‌هایش عدول نکرده است و همچنان آنها را سر دست گرفته و فریاد می‌زند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم مرقوم فرموده‌اند:

«از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون



خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است... به‌رغم همه این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت.»

راز این ماندگاری در زنده بودن انقلاب، زنده بودن «روح انقلاب» در کالبد جامعه و زنده بودن «روحیه انقلابی» در مردم عزیزمان و وفاداران به انقلاب اسلامی نهفته است.

حاج قاسم با «روح انقلاب» جان گرفت و نهال وجودش از سرچشمه زلال جاری روحیه انقلابی سیراب شد و «كَزْرَعُ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الرُّعَاةَ لِیَغِیْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»^{۲۰} در بهارستان پیر طراوت انقلاب، چنان شاخ و برگ پیدا کرد که تبدیل به ستون و عمود مستحکم خیمه «مقاومت اسلامی» شد. او خواب راحت را از چشم دشمنان ربوده و روی‌هایشان را برای تسلط بر مسلمانان و مظلومان عالم پریشان ساخته بود و به همین دلیل از او غضبناک بودند و در نهایت

۲۰. همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد. سوره فتح آیه ۲۹



زبونانه دست به ترور او زدند. چرا که حاج قاسم به دشمنان عملاً نشان داد نه تنها انقلاب که انقلابیون در وسعتی به پهنای جبهه مقاومت و بیداری اسلامی نیز زنده و بیدارند.

اکنون در سالگرد شهادت آن عزیز باید بزرگ‌ترین دستاورد آن شهید یعنی نمایش زنده بودن انقلاب همچون پرچمی بر تمامی مناره‌ها به اهتزاز درآید و در تمامی مآذنه‌ها فریاد شود.

گرامی داشت حاج قاسم و زنده نگاه داشتن یاد و نام و راه و مرام او یعنی زنده بودن انقلاب، یعنی زنده بودن روحیه انقلابی، یعنی رسوا سازی همه کسانی که امروز داعیه پشیمانی از انقلاب را دارند و به علت برخی نواقص و کاستی‌هایی که از ناحیه عناصر زاویه‌دار با انقلاب در امور مختلف پیش آمده است، نظام مظلوم اسلامی را متهم به استحاله می‌کنند و همدل، همپا و همزبان با دشمنان قسم خورده انقلاب بر بار شیشه آرمان‌ها و شعارهای انقلاب که انقلابیونی چون شهید سلیمانی در تلاش هستند تا آن را به سلامت از معرض تعرضاتی که از چپ و راست بر آن وارد می‌شود، عبور دهند، می‌کوبند.

بزرگداشت حاج قاسم همانند تشییع حماسه‌گون آن شهید و الامقام باید تبدیل به باطل‌السحر چنین تلاش‌هایی شود و زنده بودن انقلاب را به رخ دشمنان، ناآگاهان، غفلت‌زدگان و سازش‌کاران بکشانند.



۳- زینت انقلاب

حاج قاسم مدافع حرم بود. مدافع حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها بود. «زینبی» که خود «زین» پدرش بود. حاج قاسم نیز زینت انقلاب اسلامی است. هر انقلابی اگر یک همچون شخصیتی را در دل خود پرورانده باشد حق آن است که در تاریخ بشریت به خود بیابد و به آن افتخار کند.

اگرچه انقلاب اسلامی خود زینت ملت ایران در تاریخ است و همواره در تاریخ از ملت ایران به عنوان ملتی که با دل سپردن به رهبری الهی چنین انقلاب پرشکوهی را رقم زد با عزت نام برده خواهد شد اما باید گفت خورشیدهای فروزانی همچون شهید سلیمانی‌ها زینت انقلاب و چهل چراغ‌های روشنی بخش انقلاب هستند که مایه افتخار نه تنها تاریخ ایران بلکه تاریخ بشریتند و به تعبیر زیبای امام خمینی (ره) سرودهای آزادی و رهایی هستند که احرار جهان آنان را زمزمه خواهند کرد. انقلابی که بی نام و نشان آنها قابلیت معرفی شدن ندارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در باره امام خمینی (ره) فرمودند: «این انقلاب بی نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست.» با تاسی به رهبر عزیزمان باید گفت شهید سلیمانی نیز این افتخار را دارد که نام و یادش یادآور انقلاب و شهادت مظلومانه‌اش سندی بر مظلومیت و حقانیت این انقلاب باشد. او به راستی در حیات مادی و حیات معنوی‌اش (شهادت) چون دسته‌گلی است که برگردن انقلاب آویخته شده است.



۴- حاج قاسم نماد پیوندهای عمیق و عاطفی مردم با نظام اسلامی است

حاج قاسم عامل وحدت، انسجام ملی و نماد پیوند مردم با نظام اسلامی است. بنابراین باید مراسم بزرگداشت او نیز وحدت‌آفرین و استحکام‌بخش پیوند مردم با نظام اسلامی باشد. این همان چیزی است که روح حاج قاسم را آرام می‌سازد. حاج قاسم کسی بود که مردم با دلبستگی به او چه در زمان حیاتش و چه در هنگام شهادتش نشان دادند با انقلاب اسلامی پیوندی دیرینه دارند و هر گاه برای حفظ ارزش‌های انقلاب احساس کنند حضورشان لازم است در صحنه حاضر شده و خالق و حماسه‌ساز یوم‌الله‌های به یادماندنی می‌شوند.

حاج قاسم ظرفیتی است که باید از جاذبه‌های شخصیتی وی برای استحکام پیوند مردم با نظام اسلامی بهره برد و از سوی دیگر همچون پدری مهربان است که می‌تواند فرزندان انقلابی رهبرش را حول خویش در حالی که شعارهای انقلاب را سردست گرفته‌اند گرد هم آورد.

چه بسا دست‌هایی در کار باشد تا بخواهند حاج قاسم را محل تنازع و انشقاق قرار دهند لذا دوستان و یاران و وفاداران به مکتب حاج قاسم باید هشیار باشند جایگاه حاج قاسم به عنوان نماد وحدت ملی دچار تنزل و تزلزل نشود.



۵- مراسم بزرگداشت حاج قاسم همچون «شعائرالله» باید بزرگ شمرده شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی روز تشییع پیکر پاک شهید سلیمانی و یارانش را «یوم‌الله» نامیدند. روزی که عطر خدا در اجتماع میلیونی و بی نظیر مردم در بدرقه شهید سرافراز جبهه مقاومت در شهرهای ایران اسلامی و برخی شهرهای کشور عراق پیچید و استشمام شد. باید این یوم‌الله را به یاد آورد و آن را به عنوان هدیه خدا به ملت ایران که به تعبیر رهبر حکیم مان «صَبَّار» و پراستقامت و «شکور» و سپاسگزار الطاف الهی هستند، در حافظه تاریخ ماندگار و جاودانه ساخت. یکی از مهم‌ترین عوامل ماندگاری این یوم‌الله، تعظیم آن به عنوان «شعائرالله»^{۲۱} است. همچنان که باید شعائرالله را بزرگ و محترم شمرد باید یاد و نام حماسه‌سازان چنین یوم‌اللهی را نیز بزرگ و محترم شمرد. باید دانست نسل‌های فردا بیش از امروز به امثال حاج قاسم‌ها نیاز دارند. امروز حاج قاسم سرمایه بزرگی است که نسل امروز باید امانتدار آن باشد و آن را سالم به نسل‌های بعدی برساند. از مراسم بزرگداشت آن شهید سرافراز باید عطر و بوی آن یوم‌الله بی نظیر استشمام شود. عطر گرمی داشت یک قهرمان ملی از سوی ملتی که اراده کرده است از قید و بند اسارت و بردگی قدرت‌های زورگو رها شود و در سایه عبودیت خدا طرحی نو در عالم دراندازد.

۲۱. ذَلِكْ وَمَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. سوره حج ۳۲



۶- فرصت آفرینی برای نشان دادن عشق و دلدادگی مردم به قهرمان ملی خود

حاج قاسم شخصیتی «مردمی» بود. از مردم و برای مردم بود. به حضور خود در میان مردم افتخار می‌کرد. هرگز برای خود شأن و اعتباری قائل نبود. حتی وصیت کرد بر سنگ مزارش برای او عنوانی جز سربازی حک نشود. در بدرقه شکوهمند او به خانه ابدی نیز روی دست مردم بود و آرزو داشت که روی دستان فرزندان شهدا به خاک سپرده شود.

بنابراین باید تدابیری اندیشید تا جلوه‌های این عشق و دلدادگی مردم به حاج قاسم تداوم یابد. همان مردمی که او را عاشقانه تشییع کردند باید مراسم سالگرد شهادت او را گرمی بدانند و لذا باید وجه مردمی مراسم بزرگداشت بسیار برجسته باشد. باید به مردم فرصت داد حق او که عاشقانه لبیک‌گوی آنان برای حضور در یادواره شهدایشان بود را ادا کنند.

۷- عدم غفلت از دشمنان حاج قاسم

دوستی و محبت به حاج قاسم و گرمی‌داشت یاد و نام او نباید منجر به غفلت از دشمنان حاج قاسم شود. حاج قاسم توسط شقی‌ترین انسان‌های روزگار ما یعنی رئیس جمهور آمریکا و



عوامل جنایتکارترین کشور دنیا یعنی آمریکای جهانخوار به شهادت رسید و ترور شد.

چهره سیاه و پلید طراحان و عاملان این اقدام تروریستی که به دروغ دم از مبارزه با تروریسم می‌زنند و خود را مدافع حقوق بشر و مخالف خشونت‌ورزی معرفی می‌کنند، نباید از حافظه تاریخی ملت ما و افکار عمومی مردم در تمام نقاط عالم پاک شود و به فراموشی سپرده شود.

اگر در سحرگاه سیزدهم دی ماه ۱۳۹۸ ترامپ جنایتکار دستور چنین اقدام تروریستی را صادر کرد امروز نظام رسانه‌ای تحت سلطه صهیونیسم بین‌الملل درصدد توجیه این جنایت و بدتر از آن ترور نرم‌افزاری آن شهید یعنی زیر سؤال بردن «فرهنگ مقاومت» است.

شوربختانه عده‌ای نیز در داخل کشور همسو با این اقدام صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و راهبرد افزایش عمق استراتژیک نظام که رافع هرگونه تعرض به امنیت مردم در این سال‌ها بوده است را زیر سؤال ببرند و حاج قاسم را در این معادله مورد حمله قرار دهند و از شاهکار او در پایان پذیر ساختن افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی و ابرقدرتی آمریکا اعتبارزدایی کنند.

براین اساس مراسم بزرگداشت آن شهید باید زمینه‌های نفرت



و انزجار از آمریکا و کسانی که تلاش می‌کنند چهره سفاک سیاستمداران آن را بزرگ کرده و مسئولان ایران قهرمان را به سازش با آنان دعوت کنند، بیش از پیش فراهم کند.

همچنین راهبرد انتقام سخت، به عنوان راهبرد فراموش نشدنی در جبهه مقاومت اسلامی باید مطرح و زنده بماند به طوری که تروریست‌های بین‌المللی همواره سایه آن را بر سر خود حس کنند و از آن واهمه داشته باشند.

۸- راه حاج قاسم پایان ندارد

دشمن تلاش می‌کند راه حاج قاسم را پایان یافته معرفی کند. مراسم بزرگداشت شهید سلیمانی باید نشان دهد شهادت حاج قاسم روح مقاومت را در کالبد جبهه مقاومت پرنشاط‌تر کرده است و انگیزه انتقام سخت را در دل‌های سربازان دست‌پرورده شهید سلیمانی قوی‌تر ساخته است.

از خاکستر قنوس طلایی انقلاب، هزاران حاج قاسم برخوانند کشید و همچون « طَيْرًا أَبْيِلَ » با « سَجِيلِ » صبر و بصیرت انقلابی که از مکتب حاج قاسم فراگرفته‌اند سپاه ابرهه دوران را « كَعَصْفٍ مَّا كُولِ » از هر گونه تعرض به مقدسات اسلامی مأیوس و ناتوان خواهند ساخت.